

**The Civilization of Aad from Formation to Collapse: A Look at
the Civilisational Theory of the Quran**

Received: 2021/08/07

Accepted: 2021/10/12

Masoud Hakimian*, Ahmad Fallahzadeh**

(113-132)

A while after the flood of Noah, the people of Aad established a great civilization in Ahqaf as the survivors of these people. According to Quranic proofs and historical and literary texts, this civilization enchanted all who saw it. The question is, what process did the civilization of Aad go through in the transcendence of civilization? Findings claim that the people of Aad took steps towards civilization using various tools, the knowledge of geography, using nature and the art of architecture. However, a combination of beliefs and behaviors such as moon worship, idolatry, moral decline and materialism set them on the path to extinction according to the divine tradition of punishing sinful nations, and the fiery hurricane left behind mere ruins of their buildings. This study analyzes the Quranic and historical data and assesses the 'Civilizational Theory of the Quran' and the civilization of Aad.

Keywords: People of Aad, Civilizational Theory of the Quran, Static and Dynamic Civilization in the Quran, The City of Eram.

* . PhD student of Nahj al-Balagha Science and Education, Quran and Hadith University, Qom, Iran- hakim.h.m313@gmail.com.

** . Studied knowledge at Qom Seminary and PhD in Islamic History, Qom, Iran- Ahram12772@gmail.com.



تمدن «عاد» از شکل‌گیری تا فروپاشی: نگاهی به نظریه تمدنی قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

مسعود حکیمیان*

احمد فلاح‌زاده**

(۱۱۳-۱۳۲)

چکیده

قوم عاد در فاصله پس از طوفان نوح^ع به‌عنوان بازماندگان این قوم، به بنیان‌گذاری تمدنی بزرگ در احقاف دست زدند. بر اساس مستندات قرآنی و متون تاریخی و ادبی، این تمدن چشم‌هر بیننده‌ای را به خود خیره می‌کرد. پرسش فراوان این است که تمدن عاد چه روندی را در فراز و فرود تمدنی طی کرد؟ یافته‌ها بر آن است که قوم عاد با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون و با شناخت جغرافیا و دانش مهار طبیعت و هنر معماری، گام در مسیر تمدن‌سازی نهاد. اما ترکیبی از باورها و رفتارهایی چون ماه‌پرستی، بت‌پرستی، افول اخلاقی، و دنیاگرایی، آنها را در مسیر نابودی بر اساس سنت عذاب اقوام گناهکار قرار داد و تندبادی سوزان تنها آثاری از بناهایشان به‌ماندگار نهاد. این پژوهش با تحلیل داده‌های قرآنی-تاریخی، با پردازش «نظریه تمدنی قرآن» به مطالعه تمدن عاد می‌پردازد.

واژگان کلیدی: قوم عاد، نظریه تمدن قرآنی، تمدن ایستا و پویا در قرآن، شهر ارم.

* دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران -

.hakim.h.m313@gmail.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکتری تاریخ اسلام، قم، ایران - Ahram12772@gmail.com

مقدمه

قوم عاد در شبه جزیره عربی، دارای سرگذشت تأمل برانگیزی بودند که مایه ماندگاری نام آنها در قرآن و تاریخ شد. گرچه در تورات و انجیل اطلاعات چندانی از این قوم در اختیار نیست، داستان پرفرازونشییشان، از گذشته ورد زبان شاعران و سخنوران عرب بوده است. بنیان‌گذاری یک تمدن خیره‌کننده در یک زیست‌بوم عظیم به همراه نعمت‌های خدادادی، آنها را در مدار توجه مطالعات معاصر در میان پژوهشگران تاریخ قرار داده است. کاوش‌های جدید، تمدن عاد را یکی از بنام‌ترین تمدن‌های پیشاجاهلی می‌داند. در قرآن کریم ۵۹ آیه به داستان این قوم اشاره دارد که واژه «عاد» در این آیات ۲۴ مرتبه در هجده سوره و ۲۳ آیه مطرح شده است. باین حال تمدن این قوم، چندان مورد واکاوی مورخان و مفسران نبوده است و در این باره کمتر سخنی از جنبه‌های تمدنی عاد در متون و مقالات دیده می‌شود. این پژوهش در پی بازکاوی تمدنی جامعه عاد با روش بررسی توصیفی و تحلیلی منابع تفسیری، حدیثی و تاریخی بر اساس نظریه تمدنی قرآن است.

پژوهش‌ها درباره قوم عاد اندک‌اند و آنچه هست، توصیفی از این قوم در قالب بیان نحوه عذابشان است. مقاله «چشم‌اندازی بر سرگذشت قوم عاد» به قلم رضا سعادت‌نیا در فصلنامه کوثر، یکی از این موارد است. همچنین مقاله «سرگذشت قوم حضرت هود و قوم عاد در قرآن کریم با توجه به عبرت‌های تاریخی» به خامه مهناز مهدی‌زاده در چهارمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی-فرهنگی و پژوهش دینی نیز همین روش را پیموده است. «مقایسه سرگذشت قوم عاد و ثمود با قوم یهود» نوشته سمیرا حیاتی، در اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، چنان‌که از عنوانش پیداست، به مقایسه سه قوم عاد، ثمود و یهود پرداخته است. سیدامیررضا حسینی و سیدمحمدباقر هاشمی در مقاله «بررسی و تحلیل ویژگی‌های استکباری»، ویژگی ستمگری در اقوام قرآنی را با اشاره‌ای به قوم عاد در نظر گرفته است. فرج‌الله فرج‌اللهی در مقاله «قوم عاد و سرگذشت آن» چاپ‌شده در شماره چهار مجله مکتب اسلام در سال ۱۳۸۷ شمسی، همچون طیف‌های پیشین این دست مقالات، تنها سرنوشت این قوم را بررسی کرده است. احمد عابدینی با مقاله «قوم عاد؛ سازندگان اهرام مصر» نشر مجله بینات در شماره ۲۱، سال ۱۳۷۸ شمسی، در گفتاری

کوتاه تلاش دارد اهرام مصر را به این قوم نسبت دهد. مرتضی حیدری در مقاله «تحلیل ریختاری قصه حضرت هود^{علیه السلام} در ترجمه تفسیر طبری» منتشرشده در مجله متن‌شناسی ادب فارسی، سال هفتم، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۳، داستان حضرت هود^{علیه السلام} را چیزی شبیه ریخت قصه‌های پریان روسی می‌داند. در خلال پایان‌نامه‌ها نیز پایان‌نامه ارشد در دانشگاه قم، با عنوان «بررسی تطبیقی قوم عاد و ثمود در قرآن، کتاب مقدس و منابع تاریخی» نوشته یحیی فاضل فلاورجانی، تنها پژوهشی برای اثبات وجود این قوم در منابع سه‌گانه قرآن، کتاب مقدس و منابع تاریخی است. نویسنده با راستی‌آزمایی داستان‌های قرآن، بر اساس اسناد و مدارک و آثار باستانی، به شبهه زبان اسطوره‌ای قرآن می‌پردازد.

نظریه تمدنی قرآن: تقسیم تمدن‌های بشری به تمدن «ایستا» و «پویا»

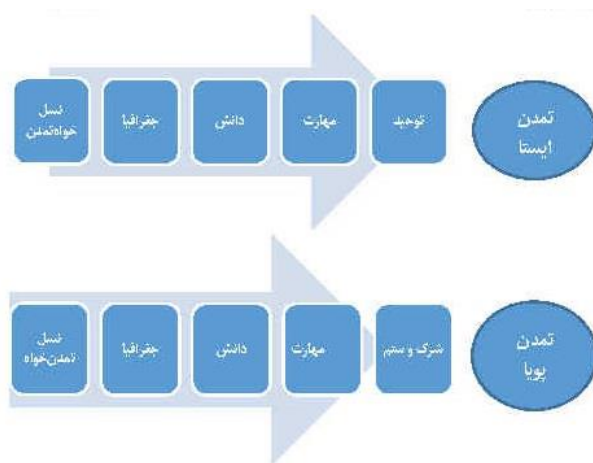
فهم نظریه تمدنی قرآن و آشنایی با دیدگاه فرازمانی و فرامکانی‌اش، به همراه شناخت زیرساخت دیدگاه این کتاب مقدس به تمدن، آغاز مطالعات تمدنی قرآنی است. در این حوزه‌های پرآلویت، چشم‌انداز آرمان‌شهری قرآن در محتوای یکتاپرستی، همسویی با پیامبران و کلیدواژه‌های اجتماعی چون شعوب، ملت، امت، مدینه و قریه قابل مشاهده است (مبلغی، ۱۳۹۵: ۱). قرآن بنیان معرفتی، منطق ترکیب و چگونگی رابطه میان اجزا و ترسیم‌کننده جهت اصلی تمدن مسلمانان را بیان کرده است (الویری، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶). آیاتی که انسان را به گردشگری در زمین برای شناخت تمدن‌های نابودشده کهن فرامی‌خوانند، درعین حال که شکوه تمدن‌های گذشته را به یاد می‌آورند، به فرجام کار آنان نیز اشاره دارند (غافر: ۸۲؛ محمد: ۱۰؛ یوسف: ۱۰۹). اهالی این تمدن‌های ساقط‌شده، با طرح ایده نفی جهان آخرت (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴: ۵۸) و دور بودن از عذاب خدا، توانایی خود در دستیابی به دانش‌های بایسته برای زندگی بهتر را مایه دوری از عذاب می‌دانستند (همان، ج ۱۳: ۵۹)، اما قرآن روند توسعه بهت‌انگیز آنان را تنها ناشی از قدرت موقتی می‌داند که خدا به آنان بخشیده بود تا بدان آزموده شوند. ازاین‌رو از دیدگاه قرآن، شکوه تمدن‌های دنیاگرا، موقتی و گذراست (حجر: ۸۸؛ طه: ۲۱). معیاری اصیل در بنای یک جامعه مطلوب قرآنی، دوری از انحصارگرایی معرفتی در شناخت هستی و بهره‌گیری از

شیوه‌های معتبر دیگر نظیر وحی و تعقل در ادراک حقایق عالم است (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۷). اینکه مدیریت جامعه باید در اختیار صالحان باشد (نساء: ۱۰۵)، بخشی از همین راهبرد است؛ زیرا قرآن حکومت ستمگران را نابودشدنی می‌داند (انبیاء: ۱۱). در گفتمان قرآن زیست بدون معنویت، همان حیات مردگان است (انعام: ۱۲۲). درواقع نظریه تمدنی قرآن، آموزه‌های وحیانی را پایه تمدن اسلامی می‌داند (فامیل روحانی، ۱۳۹۳: ۸۵).

فهم قرآنی تمدن، عبارت از سه مرحله در قالب سه سازواره عظیم است. در این نظریه، در وهله نخست، پروردگار جمعیتی را در یک سرزمین می‌آفریند یا جانشین می‌کند و به آنها توانایی بالقوه ساخت تمدن و فهم دسترسی به ابزارهای پایه را می‌دهد. سپس، نعمت‌هایی الهی شامل جغرافیا و آب و هوای مناسب، چشمه‌ها و رودخانه‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهد. آن‌گاه در مرحله سوم، ابزارهای لازم برای تمدن‌سازی یعنی دانش و هنر مورد نیاز برای مهار طبیعت، و رفاه را در دسترسشان قرار می‌دهد (هود: ۳۷-۳۸؛ یس: ۶۸؛ نحل: ۷۸؛ دخان: ۲۵-۲۷؛ جاثیه: ۱۳؛ لقمان: ۲۰). این دانش از راه‌های گوناگونی مانند الهام الهی به انسان (نحل: ۸؛ نمل: ۴۰؛ قصص: ۷۸؛ هود: ۶۱؛ علق: ۵)، آموختن تجربه به دیگران (روم: ۴۲؛ ملک: ۱۵) و درون‌زایی و تولید دانش صورت می‌گیرد. پس از این مرحله، آن دسته از تمدن‌هایی که به گناه و ستمگری آغشته و دچار خصوصیت «ایستایی» شوند، طبق یک سنت الهی، مستحق عذاب دانسته و نابود می‌شوند (هود: ۱۱۷؛ نحل: ۱۱۲). اما تمدن‌هایی که به خداپرستی و معنویت روی می‌آورند، قدرت‌های دیگری از نوع معنوی در اختیارشان قرار می‌گیرد که می‌توان آن را از مواهب بزرگ الهی دانست؛ چنان‌که تمدن بنی اسرائیل در تمام دوره داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام حاوی همین ویژگی است (انبیاء: ۸۱؛ سبأ: ۱۲-۱۰؛ ص: ۳۱-۳۳). با این تعریف، قرآن تمدن‌ها را به دو گونه «تمدن ایستا» و «تمدن پویا» تقسیم می‌کند. تمدن‌های ایستا آن دسته از تمدن‌هایی هستند که پس از یک دوره شکوفایی، ناباوری به رستاخیز و خوش‌گذرانی همراه با گناه نابود می‌شوند (واقعه: ۴۵-۴۷). سپس به جای آنها قوم دیگری جانشین می‌شود که قرآن از این رفتار با عنوان «سنت استبدال» یاد می‌کند (فاطر: ۱۵-۱۶؛ محمد: ۳۸؛ توبه: ۳۹؛ انسان: ۲۸). اما

تمدن «عاد» از شکل‌گیری تا فروپاشی: نگاهی به نظریه تمدنی قرآن / مسعود حکیمیان ۱۱۷

تمدن‌های پویا، ضمن سپری کردن مسیر توسعه و رسیدن به شکوه و عظمت، با قدرت‌های معنوی، به نیروهای خارق‌العاده‌ای دست می‌یابند و همچنان مسیر خود را ادامه می‌دهند (انفال: ۵۳؛ رعد: ۱۱) تا حاوی وصف «مُلک» و منوط به قدرتی الهی شوند (همایون، ۱۳۹۴: ۵).



جغرافیای زیستی قوم عاد

نخستین مقدمه در ساخت یک تمدن بزرگ، ویژگی جغرافیای زیستی آن منطقه است. قرآن منطقه احقاف را سکونتگاه این قوم می‌داند که از هر جهت دارای ویژگی‌های پایه‌گذاری یک زندگی پرفراخ بوده است (احقاف: ۲۱). احقاف در جنوب جزیره العرب، که امروزه اثری از آن قوم در آنجا باقی نمانده، مکانی باشکوه برای زندگی مرفه بوده است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۲). «ابن عباس» در تعریف احقاف، آن را سرزمینی بین عمان و مُهره می‌داند. اما طبق سخن «ابن اسحاق»، احقاف توده‌های شنی است که بین عمان تا حضرموت قرار دارد. از نظر «قُتاده»، احقاف یک رشته تپه‌های شنی در «شحر» است (الزاوی، ۱۳۷۹: ۶۷۹) که در ساحل دریای یمن واقع شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۳). در عین حال یک روایت تفسیری از علی بن ابراهیم، ابتدای احقاف را از «شقوق» و انتهای آن را تا «اجفر» و مجموع آن را چهار منزل دانسته است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۹۸). اما هم‌عصر او، طبری، سرزمین قوم عاد را ریگزار حضرموت تا یمن نگاشته است

(طبری، ۱۹۶۷م، ج ۱: ۲۰۴). بررسی‌های جدید نشان می‌دهد احقاف بخش جنوبی ربع الخالی است که از غرب به شرق، ۱۲۰۰ کیلومتر و عرض آن ۳۵۰ کیلومتر است. کوه‌های شنی احقاف از غرب با فاصله صد و پنجاه کیلومتری از شهر صنعا قرار دارد و جانب شرقی آن از سوی امارات، در فاصله صد کیلومتری شهر العین است. صد کیلومتر از آن در یمن و شش صد کیلومتر از آن بین عربستان و یمن واقع شده است. سیصد کیلومتر آن نیز بین عربستان و امارات قرار دارد و دویست کیلومتر آن نیز بین عربستان و عمان جای گرفته که پایتخت آن یعنی شهر ازم در این محدوده واقع شده است (عبادی، ۲۰۱۹م: ۱).



جامعه عاد و جانشینی قوم نوح ﷺ

یک دیدگاه معتقد است اعراب بانده (نابودشده) اقوام بسیار زیادی بوده‌اند؛ از جمله «طسم، جدیس، عملیق، امیم، عاد و ثمود» که بنا به گزارش تاریخ‌نگاران قوم عاد از کهن‌ترین تیره عرب‌های نخستین (بانده) به‌شمار می‌رود. باین حال برخی از ایشان معتقدند اقوام نام‌برده از عاد و ثمود هم کهن‌تر هستند (طبار، ۱۳۸۵: ۱۱۵). بنا بر یک برداشت از آیات قرآن، عادیان دو گروه و قبیله بوده‌اند: عاد اول و عاد دوم. چنان‌که در سوره نجم می‌فرماید: «و اوست که عاد اول (قوم هود) را هلاک نمود» (نجم: ۵۰). به باور برخی مورخان، این قوم بازماندگان قوم نوح هستند که سلسله نسب آنها به «عاد بن عوص بن ارم بن سام بن نوح» می‌رسد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۹؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱: ۲۲)، که هفت صد سال پیش از میلاد می‌زیسته‌اند (الشماع، ۲۰۱۳م: ۱۱۹). با نابودی قوم نوح ﷺ در پی طوفان، قرآن آشکارا قوم عاد را جانشین

آنان می‌داند (اعراف: ۶۹). اما یک دیدگاه آنان را مشخصاً از قبایل عرب بازمانده از طوفان نوح برمی‌شمرد (عبدالهادی، بی تا: ۲۵). این قوم که به «عادِ اول» مشهور بودند، به سرعت قدرت یافتند و نامور شدند (نجم: ۵۰). اما منابع رومی، ارم را نام یکی از اجدادشان دانسته و آنها را عاد رامیون یعنی بنوعاد نامیده‌اند (ساقل، ۱۹۹۵م: ۳۰). گفتنی است برخی ثمود را ادامه عاد یا همان عاد ثانی دانسته‌اند (عرفه، ۱۹۹۵م: ۳۰).

بنا به گفته «ابن کثیر»، عاد پیشین یا نخستین ارمیان [یا آرامیان] هستند که مردمی چادرنشین بودند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۳۸۵) و عادیان پسین قحطانیان و بسائیان و شاخه‌های آنان‌اند که در یمن می‌زیستند (بیومی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۰۲). با این همه، برخی تاریخ‌نگاران قبایل عاد را یازده قبیله دانسته‌اند (طبار، ۱۳۸۵: ۱۱۵). «عاد بن ارم بن سام بن نوح» نخستین پادشاه قوم عاد است که در «احقاف» حکومت خود را بنا نهاد. پس از وی، پسر بزرگش «شدید بن عاد» به پادشاهی رسید و به دنبال او، «شداد بن عاد»، برادر شدید بن عاد به حکومت رسید. او دیگر ممالک را به زیر قلمرو خود داشت و کسی بود که «ارم ذات العمداد» را بنیان نهاد و ممالک هند و دیگر ممالک شرق و غرب را گشت و جنگ‌های بسیاری کرد (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۲-۱۳).

تحلیل تمدنی قرآن از علل شکوفایی جامعه عاد

تمدن عاد برای پیشرفت، از یک‌سری مؤلفه‌های یک‌پارچه‌ساز که هم‌زمان در جنبه‌های مختلف، پیش‌ران توسعه آن بودند بهره‌مند شد. قرآن با اشاره به این موارد، ضمن معرفی بستر مطالعاتی این قوم، به روند شکل‌گیری تمدن‌های کهن نیز در یک نمای دقیق پرداخته است:

جغرافیای طبیعی و سرمایه‌های محیطی

جانشینی قوم عاد در سرزمینی پرآب و با چراگاه‌های بزرگ، آنها را در بهترین شرایط زیستی برای بنیان نهادن یک تمدن بزرگ قرار داد. پروردگار در توصیف نعمت‌های سرشار دیگری که به این قوم عطا شده بود، از سرزمین حاصلخیز، چشمه‌ها و باغ‌ها و بستان‌هایشان یاد می‌کند (شعراء: ۱۳۳-۱۳۴). سرزمین پرآب و حاصلخیز آن، در محیطی با جغرافیایی از رودخانه، دشت و کوه، چنان به این منطقه زینت بخشیده که در ادبیات عرب، به «جنة عاد»

مشهور شد (Elmaz, 2017: 523). قوم عاد با شناسایی جغرافیای حاصلخیز، در محیطی زندگی می‌کردند که باران فراوانی بر ایشان می‌بارید و همین مایه اصلی رونق سرزمینی شده بود (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۱: ۲۱۹).

جمعیت و نیروی کار

نیرو و توان مردمی عامل بسیار تأثیرگذاری در رشد این قوم بود که خود ده قبیله بودند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۲۴). شش قبیله از آنان به نام‌های «رغد»، «عبود»، «رمل»، «ضد» و «عبود» (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۱: ۲۲۱) و «لوزیه» (لوریه) نامشان ثبت شده است که از این میان، تنها لوزیه به هود^۱ ایمان آورد و همراه او به سمت مکه رفت (همان). از این قبایل نیز تیره «ضد» شمشیرزنان قابلی بودند (مقریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۴۷). فراوانی جمعیت مردان نیرومند در این قوم، مورد تأیید قرآن قرار گرفته است (شعراء: ۱۳۴). بنا بر نظر قرآن، مردمان این قوم از لحاظ خلقت، بزرگ‌تر از انسان‌های پیش و پس از خود بودند (اعراف: ۶۹)؛ تا جایی که به تنه‌های نخل تشبیه شده‌اند (قمر: ۲۰؛ حاقه: ۷). این تشریح بیانگر آن است که مردمان قوم عاد مردمانی بلندقامت و تنومند و با قدرت بالای جسمانی بودند که توان جسمی ایشان در کنار نعمت‌های سرشار دیگر، در شکوفایی جامعه این قوم نقش بسزایی را ایفا کرده است. چنان‌که درباره ایشان نقل شده است، این قوم بلندقامت، درشت‌هیکل و تنومند می‌توانستند یک کوه را ویران کنند. گرچه درباره میزان قدشان، ارقام نه‌چندان قابل باوری مانند ۳۵ متر یا ۵۰ متر نقل شده، هرچه بود، تفاوت آنها در خلقت با بقیه اقوام، امری آشکار بوده است (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۴۴۵). ویژگی دیگر نیروی کار در دوره عاد فعالیت گسترده، نظم در کارها، مهارت و تنظیم امور بود. از نظر برخی مفسران متقدم، ثمودیان با همان ویژگی‌های درشتی هیکل و توانمندی در جسم، ویژگی‌های نسلی عاد را با خود به زمانه‌شان منتقل کرده بودند (ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۴). فراوانی جمعیت عاد احتمال وجود ارتشی منسجم را درباره آنان تأیید می‌کند؛ زیرا آنچه آنها بناکرده بودند، نیازمند حفظ و پاسداری بود.

شهرسازی و سنت شهرنشینی

تدبیر عادیان برای سکونت در خانه‌ها و انتخاب منزل و سرپناه عامل دیگری در شکوفایی تمدن عادیان بود. قرآن با این عبارت «و [برای خود] از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدند که در امان بمانند» (حجر: ۸۲) به سهم آنها در صنعت شهرسازی اشاره می‌کند. از این آیه برمی‌آید که نخستین زیستگاه این قوم، منطقه‌ای کوهستانی بود و آنان دارای تمدن مادی پیشرفته‌ای بودند که به ایشان این امکان را می‌داد درون کوه‌ها خانه‌های امن تهیه کنند تا در برابر طوفان‌ها و سیل‌ها و حتی زلزله‌ها کاملاً مقاومت داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۱۲۴). شهر ارم با کاخ‌های باشکوه و ساختمان‌های بلند، هیچ مثل و مانندی در سایر سرزمین‌ها نداشت؛ چنان‌که قرآن در این باره آورده است: «[با آن شهر] ارم که دارای کاخ‌های با عظمت و ساختمان‌های بلند بود؛ همان‌که ماندش در شهرها ساخته نشده بود؟» (فجر: ۷-۸). از گزارش‌ها برمی‌آید شهر «ارم» در منطقه صحاری پایه نهاده شد، آن هم با کاخ‌هایی زیبا و ستون‌های بسیار دیدنی و باغ‌های بی‌نظیر و بسیار بزرگ (سالم، ۲۰۱۸م: ۴۸). به قدری این شهر زیبا بود که در شعر عرب جاهلی از آن به بهشت عاد (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۶م، ج ۱۳: ۱۲۵) یاد شده است (Elmaz, 2017: 523). این گفته از آنجا برمی‌آید که سازنده این شهر یعنی «شداد» پسر عاد این شهر را بر اساس مدل کاخ‌های بهشتی که از طلا و نقره‌اند و از زیر آنها نهرها جاری است ساخته بود (زیدان، ۱۹۲۲م: ۶۱). او با گردآوری طلا، نقره، گوهر، یاقوت، زمرد، مشک، عنبر و زعفران، شهری زرانودود ساخته بود که با طلای سرخ مفروش شده بود و درخت‌هایی از طلا در سراسر شهر در آن نصب کرده بودند. طول و عرض این شهر، دوازده فرسنگ بود. این شهر با دیوارهای بسیار بلند حصارکشی شده بود. آنها با تفکر شهرنشینی و ساختن ساختمان‌هایی با سازه‌های محکم و استوار، در این اندیشه بودند که خود را از گزند باد، باران، طوفان، زلزله و دیگر بلایای طبیعی حفظ کنند. به همین سبب، ساخت خانه‌های مستحکم و توجه به معماری سازه‌های زیبا و محکم را در اولویت قرار دادند. پایداری این سازه‌ها مایه آن شد که شماری از آنها تا زمان پیامبر اکرم ﷺ نیز باقی بماند؛ چنان‌که از این آیه نیز برمی‌آید: «این خانه‌ها و

دیوار آنهاست که بعد از آنان جز مدت اندکی کسی در آن سکونت نکرد» (قصص: ۵۸؛ قمری، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۴۲). حتی در عصر پیامبر مردم در سفرهای تجارتي از این سرزمین‌ها عبور می‌کردند؛ یعنی پس از قرن‌ها، هنوز آثاری از شهر باقی مانده بود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۸: ۲۱۹).

هنر معماری و دانش ساخت بنا

مهندسان این قوم دارای هندسه ذهنی خانه‌سازی بودند؛ چنان‌که قبل از هر چیزی، نقشه ذهنی خود از یک بنای بزرگ در یک کوه را ترسیم می‌کردند و پس از طراحی به اجرا درمی‌آوردند. توصیف خانه‌های اهل عاد استعداد آنها در ساخت‌وساز بناهای مستحکم کم‌نظیر را مورد اشاره قرار می‌دهد؛ چه آنکه در آغاز حرکت تمدنی خود، شهری به نام «ارم» را با ساختمان‌های بلند بنا نهادند که تا آن زمان در جایی مثل و ماندنی نداشت (فجر: ۶-۸). هنر معماری در ساختمان‌های محکم و ساختار شهری فوق‌العاده شهر ارم در آن زمان، از تمدنی پیشرفته حکایت می‌کرد. افزون بر آن، ساخت شهرهای آباد، ساختمان‌های با عظمت و کاخ‌های رفیع با ستون‌های عظیم و بزرگ بینندگان را به خود جلب می‌کرد. برج‌های بلند سرزمین احقاف که قرآن با تعبیر «عماد» از آن یاد می‌کند، همچون تیرک‌های بلند (فجر: ۷) هنگامی به کار می‌رفت که خانه‌ای در میان خانه‌های دیگر با بلندتر بودن نشانه‌ای برای دیدارکننده به چشم بیاید (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۸۸). علاوه بر بلندی بناها، وجه دیگر ارتفاع این ساختمان‌های کاخ‌مانند، معماری آن روی تپه‌ها بود که سبب می‌شد نمود بیشتری بیابد (شعراء: ۱۲۸-۱۲۹). به هر حال، دانش ساخت بناهای بلند^۱ نخستین بار در تاریخ بشر برای این قوم ثبت شده است (الشماخ، ۲۰۱۳م: ۱۲۲). ترکیبی از صنعت بناسازی بر نقاط مرتفع کوه‌ها و تپه‌ها (همچون برج) و هنر معماری این قوم ثروتمند، ابزاری برای خودنمایی و تفاخر و ابراز قدرت مادی خود بر دیگران بود. شناسایی صخره‌های مناسب و آگاهی از چگالی خاک و میزان مقاومت آنها در برابر طوفان و زلزله و استفاده از مصالح محکم، قوم عاد را به عنوان بنیان‌گذار ساختمان‌های بلند در کوه‌ها مطرح کرده بود

1. frame building.

(الركابی، ۲۰۱۰م: ۴-۵). این امر نوعی نظریه جاودانگی را در ایشان پدید آورد. از این‌رو باور کرده بودند این خانه‌ها برای همیشه ماندگار خواهد شد. ابزارهایی که آنها در معماری به کار می‌بردند، به ایشان این امکان را می‌داد که علاوه بر توان کندن کوه‌های بزرگ، نقش و نگار بسیار زیبایی نیز به خانه‌هایشان ببخشند؛ چیزی که بعدها از سوی اقوام دیگری مانند ثمود الگوبرداری شد (همان: ۵). آنچه مهم است اینکه ساختمان‌های بلند یکی از اماکن تفریحی قوم عاد بود که برای فخر فروشی (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۴۲۱) و تجمل‌پرستی در آن زندگی می‌کردند. آنها از این قدرت خود به‌وجد آمده بودند و علناً ادعا می‌کردند هیچ‌کس روی زمین قدرتمندتر از آنها نیست (فصلت: ۱۵). باین‌همه، قوم عاد هرگز مانند ثمود امکان برش دادن صخره‌ها و خانه‌سازی در دل سنگ‌ها را نیافت و این ویژگی خاص قوم ثمود بود (الشماع، ۲۰۱۳م: ۱۲۲). تأثیر قوم عاد در معماری آن‌قدر شگفت‌انگیز بود که نظریه‌ای معتقد است اهرام مصر بازمانده‌ای از هنر معماری قوم عاد است (عابدینی، ۱۳۷۸: ۱۲۰-۱۳۱). استحکام بناهای قوم عاد شگفت‌انگیز بود؛ زیرا پس از گذشت سده‌های متمادی از عذاب این قوم، خانه‌های آنها هنوز دست‌نخورده مانده بود (عنکبوت: ۳۸؛ احقاف: ۲۱).

دانش مهار طبیعت

شواهد فراوانی بر شناخت آنها از طبیعت و دانش مهار نیروهای طبیعت در اختیار است. مهار آب به‌وسیله ساخت سدها و آبگیرهایی که باران‌های سیل‌آسا را مهار کند و برای بهره‌گیری در فصل‌های دیگر مورد استفاده قرار گیرد، در قرآن نیز مورد استناد قرار گرفته است: «و حوض و انبارهای بزرگی می‌سازید» (شعراء: ۱۲۹). رفتارشناسی عادیان در ساختن حوض و استخرها (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۱۴) و سدها و آبگیرها چنین می‌نماید که توسعه سدها و مدیریت آب از نظر آنها، به رونق کشاورزی و بقای تمدنی و ماندگاری آن می‌انجامیده است. قرآن به این نکته اشاره می‌کند که «چنان استوار و دقیق به ساخت‌وساز این تأسیسات پرداخته‌اید که به نظرتان برای همیشه باقی خواهید بود» (شعراء: ۱۲۹). اگرچه قرآن این کار را در بقای جامعه انکار نمی‌کند، این عامل را به‌تنهایی برای بقا و

جاودان ماندن تمدن کافی نمی‌داند. گفتنی است شماری از دانش‌های کهن، برگرفته از وحی (نحل: ۶۸) یا بازمانده از فرهنگ اقوام پیشین بود که به سایر اقوام به‌ارث رسیده بود.

پیوند علم و مهارت در کشاورزی و دامداری

امکانات حیات عادی از نظر نیروی انسانی، کشاورزی، باغداری، دامداری و وسایل حمل و نقل پربار بود؛ به‌گونه‌ای که زندگی ایشان رونق فراوانی یافت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۵: ۲۹۷). بنا بر یک برداشت از آیه ۷۴ سوره اعراف، توانایی آنها در هموار کردن و آماده کردن زمین‌ها و دشت‌ها برای کشاورزی، به دنبال خود، تولیدات فراوان کشاورزی و محصولات مورد نیاز برای نگهداری دام‌ها را به‌همراه داشت (الربابی، ۲۰۱۰م: ۴-۵). کشاورزی و درخت‌کاری و تولید انواع خرماها، تنها بخشی از دایره تولید محصولات آنان بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۳۴۸). توانایی بهره‌گیری آنها از چهارپایانی مانند شتر، گاو و گوسفند، هم اهلی کردن این حیوانات را در این دوره نشان می‌دهد و هم اشاره‌ای به بهره‌گیری آنها از این محصولات دامی است (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۵۵).

پیشه بازرگانی

تجارت از دیرباز یکی از پیشه‌های مردم عرب بود. «برترام توماس» در کتاب عرب‌ها فالکس اشاره به قومی از عرب‌های ثروتمند می‌کند که رومیان آنها را عرب‌ها فالکس یعنی عرب‌های ثروتمند می‌نامیدند. علت این نام‌گذاری این بود که ساکنان این منطقه از درختی ماده‌ای خوش‌بو و معطر تهیه می‌کردند و آن را به رومیان می‌فروختند که این ماده خوش‌بو در محافل دینی استفاده می‌شد و همچون طلا ارزشمند بود (دولتی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). بعدها نسل باقی‌مانده از عاد نیز به تجارت علاقه‌مند شدند (اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ۱۳۳) و شغل اجداد خود را ادامه دادند.

افول تمدنی

دوری از مؤلفه‌های تمدن پویا در دایره باورها و رفتارها

باور قوم عاد به خدایان گوناگون (هود: ۵۳) و تراشیدن بت برای سرگرمی و باور به جاودانگی خود (طبرسی، ۱۳۵۲، ج ۲۳: ۱۵) اصلی‌ترین عامل ارسال پیامبری به نام

هود^ع برای هدایت آنان بود (هود: ۵۰). آنها ضمن ماه‌پرستی (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۲۴)، با پرستش سه بت «صمود»، «صداء» و «هباء» و نافرمانی از دستورهای آن حضرت و انکار آیات الهی و پیروی از سنت‌های آبا و اجداد خویش، زمینه نابودی خود را فراهم کردند (همان). به‌رغم هنر تبلیغی حضرت هود^ع، قومش قدرت ویژه‌ای برای بتان قائل بودند و بر این باور بودند که این بت‌ها هستند که به هود^ع آسیب زده‌اند تا سخنش در برابر ایشان کارا نباشد (فرج‌اللهی، ۱۳۴۸: ۳۲۹). سرانجام پس از یک دوره خشک‌سالی و نپذیرفتن پیشنهاد توبه از طرف حضرت هود^ع، دچار طوفان شدند و از بین رفتند (هود: ۵۲-۵۳؛ احقاف: ۷-۲۴). بنا بر یک گزارش تاریخی وقتی قوم عاد دچار قحطی شدند، گروهی هفتاد نفره را به مکه فرستادند تا برایشان طلب باران کنند؛ زیرا سه سال بر ایشان باران نباریده بود و قحطی بزرگی به‌راه افتاده بود. از این‌رو بازماندگان مؤمن این قوم رو به سوی مکه نهادند (طبری، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م، ج ۱: ۲۱۹-۲۲۱). قرآن علت بقایای تمدن‌ها را ایمان به خدا، دانش، نیکوکاری، عدالت، اخلاق، هم‌گرایی، رفتار انسانی، اقتصاد پویا، امنیت و آرامش سیاسی، و عامل سقوط تمدن‌ها را کفر، ستم، تجمل‌پرستی، گناه، سرکشی اجتماعی، فساد اقتصادی و دنیاگرایی می‌داند (بدوی، ۲۰۰۵م: ۲۲-۱۶۰). حتی شاعران عرب نیز طغیان دینی این قوم را مایه عذاب آن برشمرده‌اند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱: ۵۱).

اجرای سنت الهی «نابودی قوم گناهکار»

با وجود عنایت‌های سرشار الهی، قوم عاد قدر نعمت‌های خدادادی را ندانستند و معصیت الهی را مرتکب شدند؛ تا جایی که سخنان کفرآمیزی بر زبان جاری کردند؛ همان‌طور که خداوند در این‌باره می‌فرماید: «و اما عادیان به‌ناحق در زمین سر برافراشتند و گفتند: "از ما نیرومندتر کیست؟" آیا ندانسته‌اند که آن خدایی که خلقشان کرده خود از ایشان نیرومندتر است؟ و در نتیجه آیات ما را انکار می‌کردند» (فصلت: ۱۵). به همین دلیل، پس از سه سال قحطی و توبه نکردن قوم خیره‌سر، ابر سیاهی در آسمان ظاهر شد. گمان آنها بر آن بود که قحطی پایان یافته است و در انتظار باران بودند، ولی درحقیقت ابر سیاه حامل شروع عذاب الهی بود. قرآن در این‌باره می‌فرماید: «پس چون آن [عذاب] را [به‌صورت] ابری روی آورنده

به‌سوی وادی‌های خود دیدند، گفتند: "این ابری است که بارش دهنده ماست." [هود گفت: نه،] بلکه همان چیزی است که به‌شتاب خواستارش بودید: بادی است که در آن عذابی پردرد [نهفته] است» (احقاف: ۲۴). خدای متعال از این بادِ عذاب با تعبیر مختلفی یاد می‌کند: یکم. تندباد توفنده سرکش (صرصر): «و اما عاد به [وسیله] تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند» (حاقه: ۶)؛ دوم. تندباد توفنده در روزهای شوم: «پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم» (فصلت: ۱۶). پذیرفتن سنن اجتماعی تمدن‌ساز پیامبرشان، شامل «کرامت‌بخشی به انسان»، «هدایت‌گری»، «عدالت‌گستری» و «آبادگری فضیلت‌محور»، آنها را در ورطه هلاک قرار داد (سقای بی‌ریا، ۱۳۸۹: ۲۲۳). قرآن این مطلب را با ظرافت بیان می‌دارد: «عادیان به تکذیب پرداختند. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ ما بر [سر] آنان در روز شومی، به طور مداوم، تندبادی توفنده فرستادیم [که] مردم را از جا می‌کند؛ گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه‌کن شده بودند» (قمر: ۱۸-۲۰). همچنین پروردگار در جای دیگر می‌فرماید: «[خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیایی بر آنان بگماشت. در آن [مدت] مردم را فروافتاده می‌دید؛ گویی آنها تنه‌های نخل‌های میان‌تهی‌اند» (حاقه: ۷؛ اعراف: ۶۵-۷۲). طبق این آیه، شهر در پی آن طوفان با طبقه‌هایی از شن پوشیده شد و مردم زنده‌زنده در زیر شن‌ها دفن شدند. بعدها شاعران عرب غم خود را از نابودی تمدن عاد در اشعارشان به‌تصویر کشیدند (ابن عباس، ۱۴۱۳ق: ۵۶-۱۷۰)؛ تا آنجا که نابودی قوم عاد به دلیل تندباد هفت‌روزه را به‌صورت ضرب‌المثل نقل می‌کردند (ثعالبی، بی‌تا، ج ۵: ۱۲۹).

تحلیل قرآن از علل انحطاط جامعه عاد

مهم‌ترین عاملی که قرآن درباره انحطاط اقوام و به‌خصوص قوم عاد بیان می‌کند، رفاه‌زدگی و ثروت‌اندوزی سرمایه‌داران و اشراف این قوم بود؛ چنان‌که خداوند درباره آنان می‌فرماید: «اشراف قومش که... در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم» (مؤمنون: ۳۳). فراهم شدن رفاه و عیش‌ونوش بی‌حدواندازه از مهم‌ترین زمینه‌های فساد یک جامعه و هلاک آنهاست. عوامل رفاه‌زدگی را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

وفور امکانات مادی

فراوانی امکانات مادی انسان را به سوی لذت‌های جسمی و شهوات بدنی می‌کشاند، به او فرصت صعود روحی نمی‌دهد و قلب و ضمیر را با پرستش شهوات و لذت‌ها می‌پوشاند. تفتن در خوراک، تجمل در لباس، مسکن، مرکب، بذل و بخشش‌های بی‌حساب که از طرف حاکمان و سردمداران صورت می‌پذیرد، استعمال مسکرات و عیاشی‌ها و... از مظاهر این مرض خطرناک اجتماعی است (قانع، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

لذت‌جویی و بهره‌گیری از امکانات مادی

لذت‌جویی و بهره‌گیری از امکانات مادی را می‌توان از اسباب فجور، خیانت و ظلم دانست؛ زیرا برای رسیدن به لذت‌های دنیوی، دست زدن به این‌گونه امور طبیعی است (همان).

شیوع ردیلهٔ اخلاق رفاه‌طلبی

رفاه‌طلبی از لوازم زندگی تجملی است و از مترفان بزرگ و رؤسای جامعه منحط به تمام زیردستان سرایت و نیروی مقابله و دفاع را از آن جامعه سلب می‌کند (همان).

زندگی مرفهانه و لوازم طبیعی آن

لازمهٔ رفاه و خوش‌گذرانی، زندگی در قالب تن‌پروری، و لازمهٔ این امر سربرار بودن و به خدمت گرفتن دیگران است. رفاه‌زدگان از بسیاری از نعمت‌های الهی استفاده می‌کنند، درحالی‌که این نعمت‌ها چیزی جز حاصل دسترنج محرومان نیست که با زور به ملکیت آنان درآمده است (همان: ۱۵۲).

استحکام سیطرهٔ سیاسی و نظامی بر مردم

تسلط مالی بدون استحکام سیطرهٔ سیاسی و نظامی بر جمهور مردم میسر نیست و لذا غالباً بلکه همیشه، طبقات رفاه‌زده جامعه با حاکمان وقت همگام و همکارند و با هر حرکت آزادی‌بخش و انقلاب نجات‌بخش مخالفت می‌کنند (همان).

انحراف اعتقادی

یکی دیگر از عوامل انحطاط جامعه عاد تقلید کورکورانه از پدران و گذشتگان است.

حضرت هود علیه السلام پس از موعظه و نصیحت و وعده رستگاری به قومش، این گونه پاسخ شنید: «گفتند: آیا به سوی ما آمده‌ای که تنها خدا را پرستیم و آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ اگر راست می‌گویی، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور» (اعراف: ۷۰). هود علیه السلام در جواب قوم خود گفت: «این اصرار شما در پرستش بت‌ها و تقلید کورکورانه از پدرانانتان، باعث دوری شما از خدا و غضب خداوند بر شما گشت، و سبب شد آن عذابی که در انکار می‌گفتید: "چه وقت نازل می‌شود" به همین زودی بر شما نازل گردد. پس منتظر آن باشید و من هم با شما انتظار آن را دارم» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۲۵-۲۲۶).

خودبرتربینی و دشمنی با پیامبر

یکی دیگر از عوامل انحطاط جوامع، استکبار و عناد است که جامعه عاد به آن گرفتار شدند؛ تا آنجا که خداوند در این باره می‌فرماید: «اما قوم عاد... [به گمان اینکه نیرومندتر از آنان وجود ندارد] همواره آیات ما را انکار می‌کردند» (فصلت: ۱۵). تقویت جانب هوا و تأیید شهوات و غضب، باعث پدید آمدن ملکه استکبار و حق‌کشی می‌شود. وقتی چنین ملکه‌ای در نفس پیدا شد، قهراً آدمی مجذوب، و به عمل باطل خود مغرور می‌شود. دیگر این ملکه نمی‌گذارد توجه و التفاتی به خالق کند و دعوتش را بپذیرد. در چنین حالتی است که عمل آدمی در نظرش [درست] جلوه می‌کند و دانستن حق و باطل در نظرش مشتبه می‌شود (قانع، ۱۳۷۹: ۱۸۱؛ موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۷).

نتیجه‌گیری

قوم عاد بازماندگان قوم نوح علیه السلام بودند که در سرزمین احقاف تمدن بسیار بزرگی را بنیان نهادند. آنان با به‌یادگار بردن تمدن اقوام کهن، در کنار عطایای الهی در بحث جغرافیای زیستی، توان جمعیتی و هنر دستی، با ساخت شهرها، استفاده از نیروی کار، توجه به دانش و بهره‌گیری از مهارت‌های آموخته خود، توانستند شهری بی‌مانند بسازند که آوازه‌اش تمام منطقه عربی را درنور دیده بود. این پژوهش نشان داد تمدن‌ها به دو بخش تمدن ایستا و زوال‌پذیر و تمدن پویا و معنویت‌گرا تقسیم می‌شوند که طی این فرایند، تمدن عاد در بخش نخست یعنی تمدن ایستا قرار می‌گیرد. قرآن با اشاره به اصول ساختاری تمدن‌ها که درواقع

تمدن «عاد» از شکل‌گیری تا فروپاشی: نگاهی به نظریه تمدنی قرآن / مسعود حکیمیان ۱۲۹

نوعی عطیة الهی است، به ناکامی تمدن عاد در رسیدن به معنویت اشاره می‌کند و سرکشی آنان را ناشی از پابندی به سنت‌های آبا و اجدادی در بت‌پرستی و وجود خصایصی چون خودبزرگ‌بینی و دوری از معنویت را مایه عذاب و نابودی آنها و تمدنشان می‌داند.

کتابنامه

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر قرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
ابن عباس، عبدالله (۱۴۱۳ق). غریب القرآن فی شعر العرب، تحقیق احمد نصرالله و محمد عبدالرحیم، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیه.

اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۵ق). الاغانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد بن صامل سلمی، طائف، مکتبه الصدیق.
ابن سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.

الزاوی، طاهر احمد (۱۳۷۹). ترتیب القاموس المحيط علی طريقة المصباح المنیر و اساس البلاغه، قاهره، مطبعة الاستقامة.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر قرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
الشماع، عبدالکریم محمد باقر (۲۰۱۳م). «التنمية المستدامة و ابداع تخطيط المعمار فی القرآن»، مجلة رکز داراست الکوفه، المجلد ۱، العدد ۳۱، ص ۱۱۶-۱۲۴.
الركابی، فلیج کریم (۲۰۱۰م). «العمارة و البيئة فی القرآن الکریم»، مجلة الآداب، العدد ۹۴، ص ۱-۱۴.

الماجد، ماجد بن محمد (۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م)، «الفنون البلاغیة فی سورة هود»، المجلة العلمیة لجامعة الملك فیصل (العلوم الانسانیة و الاداریه)، المجلد الخامس، العدد الثاني، ص ۴۱-۱۱۱.
الویری، محسن (۱۳۹۴). «کارکرد تمدنی قرآن: یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی»، نقد و نظر، س ۲۰، ش ۴، ص ۷۶-۵۵.

بدوی، عمار توفیق احمد (۲۰۰۵م). مقومات الحضارة و عوامل افولها من منظور القرآن الکریم، پایان‌نامه ارشد، با راهنمایی محسن سمیع الخالدي، فلسطین، جامعة النجاح الوطنیه.
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م). انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.

بیومی مهران، محمد (۱۳۸۳). بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه محمد راستگو، علمی و فرهنگی.

ثعالبی، عبدالملک بن محمد (بی‌تا). یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر، تحقیق محمد مفید قمحیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضو.

دولتی، کریم و همکاران (۱۳۹۳). «کشف سرزمین قوم عاد از منظر قرآن و باستان‌شناسی»، قرآن و علم، س ۸، ش ۱۴، ص ۱۳۷-۱۵۹.

زیدان، جرجی (۱۹۲۲م). العرب قبل الاسلام، مطبعة الهلال.

سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). «شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم»، آموزه‌های قرآنی، س ۱۱، ش ۱۹، بهار و تابستان، ص ۶۱-۸۲.

سقای بی‌ریا، محمدناصر (۱۳۹۸). «مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیا و طاغوتیان از دیدگاه قرآن»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره دوم، ش ۲، ص ۲۲۳.

ساقل، دیزیره (۱۹۹۵م). العرب فی العصر الجاهلی، بیروت، المداقة العربیه.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

سالم محمد، محمد (۲۰۱۸م). «لمحات تاریخیة من القصص الاخباری و القرآن لعاد و ثمود»، مجلة کلیات التریبه، العدد ۱۲، ص ۴۸.

علی، جواد (بی‌تا). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین.

_____ (۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، دار الساقی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). تفسیر مجمع البیان، تهران، ناصرخسرو.

_____ (۱۳۶۰). تفسیر مجمع البیان (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن)، تحقیق رضا ستوده، تهران، فراهانی.

طبار، عفیف عبدالفتاح (۱۳۸۵). همراه با پیامبران در قرآن، ترجمه عباس جلالی و حسین خاکساران، قم، بوستان کتاب قم.

طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۲). المیزان فی تفسیر القرآن (بیست‌جلدی)، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م). تاریخ الطبری، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.

تمدن «عاد» از شکل‌گیری تا فروپاشی: نگاهی به نظریه تمدنی قرآن / مسعود حکیمیان ۱۳۱

_____ (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفه. عابدینی، احمد (۱۳۷۸). «قوم عاد؛ سازندگان اهرام مصر»، نشریه بینات، س ۶، ش ۲۱، ص ۱۲۰-۱۳۱.

عبادی، منصور ابوشریعه (۲۰۱۹م). الأحقاف-مساكن-قوم-عاد/ <https://quran-m.com/>. عبدالهادی، جمال و وفاء محمد (بی‌تا). اخطاء يجب این تصحیح فی التاریخ جزیره العرب، الجزء الاول (سیره هود و صالح و شعیب و سلیمان عليهم السلام و اصحاب الاخدود و اصحاب فیل)، دار الوفاء. عرفه، محمود (۱۹۹۵م). العرب قبل الاسلام، عین الدراسات والبحوث الانسانية والاجتماعيه. صحراری، عوتبی (۱۴۲۷ق). الأنساب، تصحیح محمد احسان نص، مسقط. فامیل روحانی، سیدعلی اکبر (۱۳۹۳). «قرآن؛ زیرساخت تمدن اسلامی»، اندیشه تمدن اسلامی، س ۱، ش ۱، ص ۸۴-۹۳.

فرج‌اللهی، فرج‌الله (۱۳۸۷). «استقامت از هود، لجاجت از قوم»، مکتب اسلام، ش ۵۶۷، ص ۲۱-۲۶.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتاب. قانع، احمدعلی (۱۳۷۹). علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.

راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه الامام المهدی. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴). ترجمه المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مبلغی، احمد (۱۳۹۵). «دیدگاه کلام قرآن در خصوص اصل تمدن گام نخست تمدن سازی است»، خبرگزاری وصال، دسترسی در: <http://vasael.ir/fa/news/4366>.

مسعودی، علی (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجره. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب.

مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۷ق). المقفی الكبير، تحقیق محمد یعلاوی، بیروت، دار الغرب الاسلامی. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه. همایون، محمدهادی (۱۳۹۴). «ملک عظیم: مهدویت و تمدن در قرآن کریم»، مشرق موعود، س ۹، ش ۴۴، ص ۵-۲۱.

یعقوبی، احمد (بی‌تا). تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.

Elmaz, Orhan (2017). A Paradise in the Desert: Iram at the Intersection of One Thousand and One Nights, Quranic Exegesis, and Arabian History: https://brill.com/view/book/edcoll/9789004357617/B9789004357617_027.xml